آینه

شهروند

جشن ۴۰ سالگی و لزوم همدلی

سیامک رحمانی: اینکه آذری‌جهرمی و بطحایی، وزرای دولت این‌قدر مورد اقبال عمومی‌اند و در جامعه و فضای مجازی جزء وزرای نسبتا موفق ارزیابی می‌شوند، احتمالا بی‌ارتباط با حضور دائمی‌شان در جامعه و دیالوگشان با شهروندان نیست. اینکه مشهود است تصمیماتشان براساس نیازهای حال حاضر کشور و مردم گرفته می‌شود و خود را خدمتگزار مردم می‌دانند و منتی سر ملت ندارند. احساسی که بعضی از مسئولان درکی از آن ندارند. نمونه‌اش را می‌شد در ماجرای اخیر برنامه «فرمول یک» دید. اگرچه نمایندگان مجلس هر درخواستی را برای ممنوع‌شدن حضور حجت‌الاسلام زائری در سیما تکذیب کردند و مشخص شد طبق معمول تصمیم از طرف جام‌جمی‌ها بوده، اما کم‌تحملی وکلا قابل پذیرش نیست. بهارستانی‌ها که در بسیاری موارد بزرگ‌تر که حق عمومی در میان بوده، واکنشی نداشته‌اند، چرا باید تا انتقادی از آنها می‌شود، ولو نادرست، طرف مقابل را بازخواست کنند و به بهانه‌شان مجلس، مانعی بر سر آزادی بیان به وجود آورد. به نظر می‌رسد این شیوه‌ها با آنچه که انقلابیون ۴۰ سال قبل به‌دنبالش بودند، فاصله بسیاری دارد. بنای انقلاب بر این بود که مردم صاحب مملکت باشند و مسئولان خدمت کنند.

همشهری

امیرکبیر و ایران توسعه‌یا اصلاحگری

مجید فراهانی؛ عضو شورای اسلامی شهر تهران: از متن داستان امیرکبیر و اصلاحات او دو نکته را می‌توان به‌روشنی دید و رهیافت‌ها و دریافت‌ها را بر مبنای آن استوار کرد؛ اگر توسعه و پیشرفت می‌خواهد پایدار باشد و تداوم آن به بهبود زندگی و امنیت و رفاه جامعه و البته استقلال و قدرتمندی کشور منجر شود، نیازمند رویکردی است که کانون و دال مرکزی آن توسعه افقی جامعه است. به‌عبارتی توسعه آمرانه و از بالا به پایین علاوه‌بر ضعیف‌کردن حلقه گفت‌وگوی جامعه و حاکمیت که کمترین نتیجه آن گسترش بی‌اعتمادی میان حاکمیت و جامعه است، مفهوم توسعه را از حمایت جریان‌های اجتماعی محروم می‌کند. طبیعتا در بحث توسعه و رفاه جامعه ایران در دالان تاریخ و در پیچ‌وخم‌های تحول و تکامل رویدادها و ساختارها، سرمایه‌هایی ارزشمند وجود دارد که خوانش درست و قرائت صواب و به‌دور از تعصب از آنها می‌تواند در مسیر توسعه و نوسازی اجتماعی و اقتصادی یاریگر باشد.

ابتکار

تاوان شفافیت را بپردازیم

ژوبین صفاری: حضرت علی(ع) خطاب به مردم می‌فرماید: «از برخورد همراه با ظاهرسازی و مدارا بپرهیزید و خیال نکنید اگر سخن حقی به من گفته شود، قبول آن، بر من سنگینی خواهد کرد و یا اینکه خودبزرگ‌بین باشم» روش و منشی که علی‌رغم استفاده مکرر از کلیدواژه‌هایی چون شفافیت و نقدپذیری باز هم با واکنش‌هایی چون ممنوع‌التصویری افراد، فیلترینگ و... روبه‌رو می‌شود. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی باید خاضعانه بپذیریم که قدم‌گذاشتن در ساحت مسئولیت و با توجه به شرایط عصر حاضر، با گذشته تفاوت‌های فراوانی کرده است. امروز دیگر نمی‌توان بسیاری از مسائل را با مردم در میان نگذاشت و انتظار داشت اگر مسئله‌ای پا به عرصه افکار عمومی گذاشت، می‌شود با بگیر و ببند منفذهای قضاوت عمومی را بست. شاید بهتر باشد بیش از آنکه رویه تظاهر به نقدپذیری و شفافیت را پی بگیریم، قواعد آن را با تمام تاوان‌هایش رعایت کنیم.

اعتماد

احیای روزهای انقلاب

سیدرضا اکرمی: اوایل انقلاب که فضا نسبت به امروز تندتر و حادتر و البته سخت‌تر بود، فضایی وجود داشت که همه در مقابل هم می‌نشستند و هرکس نظر خود را مطرح می‌کرد. هنوز فراموش نکرده‌ایم که در تلویزیون جمهوری اسلامی میزگردهایی تشکیل می‌شد، از اغلب طیف‌ها و گروه‌ها دور یک میز و مقابل دوربین رسانه ملی می‌نشستند و صحبت می‌کردند و چون طیف‌های مختلف همه در کنار هم فرصت صحبت داشتند، هرکس صحبتی می‌کرد پاسخ آن را نیز دریافت می‌کرد. ضمن اینکه مردم هم بر این روند ناظر و شاهد بودند. این روند در روشن‌شدن افکار عمومی تأثیر بسزایی داشت. بنابراین به نظر می‌رسد باید حتی فراتر از تحقق ماده ۷۴ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی همچون سال‌های اول انقلاب افراد مختلفی را در رسانه ملی کنار هم قرار دهیم تا مردم نظرات و صحبت‌های همه طیف‌ها و گروه‌ها را ببینند و بشنوند.

آرمان امروز

فقدان هاشمی و به‌هم‌خوردگی توازن در سیاست

تا آیت‌الله هاشمی زنده بود، جناح‌های سیاسی موجود در رویکرد رادیکالیستی خود وی را مورد هجمه خود قرار می‌دادند و در رویکرد محافظه‌کارانه و در نهایت اصلاح‌طلبانه آن به حمایت از وی می‌پرداختند. اما اکنون چه در جناح اصولگرا و چه در جناح اصلاح‌طلب به‌عنوان فعالان سیاسی در نظام حکومتی ایران هیچ وزنه قابل حصول و قابل اثری مانند او یافت نمی‌شود. اکنون خلأ وجودی و فقدان حضور او مانند ستون وسطی الاکلنگ سیاسی برای ایجاد توازن قدرت و بازی قدرت در عرصه سیاسی کاملا حس می‌شود.

روحانی در مراسم بزرگداشت هاشمی‌رفسنجانی

دولت یک حامی بزرگ را از دست داد

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری

آزاده رحیمی: مراسم دومین سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی پنجشنبه با حضور رئیس‌جمهوری و بسیاری از چهره‌های سیاسی در سالن اجلاس سران برگزار شد. دورتادور سالن پوشیده از تصاویر دیدار مرحوم اکبر هاشمی‌رفسنجانی با سران کشورها یا دیدارهای مردمی او بود؛ چهره‌ای که بیشتر اوقات خندان، گاهی غمگین و گاهی جدی به نظر می‌رسید. در میان عکس‌ها، عکس بازدید مرحوم هاشمی به همراه جلال طالبانی، رئیس‌جمهور فقید عراق، از ارتش عراق در کاخ صدام هم دیده می‌شد؛ دو سیاست‌مداری که اکنون چهره در نقاب خاک کشیده و در عرصه سیاست خارجی و داخلی حضور ندارند. تصویر قابل‌تأمل دیگر مربوط به جلسه رأی‌گیری‌ای در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام است، درحالی‌که چهره‌هایی مانند محسن رضایی، غلامعلی حدادعادل، محمود احمدی‌نژاد و مرحوم هاشمی‌شاهرودی حضور دارند و همه به‌جز احمدی‌نژاد دستشان را به نشانه موافقت بالا برده‌اند. در گوشه دیگر سالن تصاویری از مراسم درگذشت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی و تشییع پیکر او جلب‌توجه می‌کند.

در این مراسم سیدحسن خمینی، اسحاق جهانگیری، اعضای خانواده آیت‌الله هاشمی و جمعی از مقامات ایرانی و خارجی حضور داشتند. به غیر از خانواده مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، شخصیت‌های شناخته‌شده‌ای از جمله: آیت‌الله امامی‌کاشانی؛ امام‌جمعه موقت تهران، دکتر عارف؛ رئیس فراکسیون امید، اسدالله عسگراولادی، علی مطهری، علیرضا بهشتی، علیرضا محجوب، پروانه مافی و آیت‌الله غرویان هم در مراسم شرکت داشتند. در سالن اصلی اجلاس سران حضور شخصیت‌هایی از قومیت‌های ترکمن، بختیاری و ... هم به چشم می‌خورد. حضور مهدی هاشمی هم که از زندان به مرخصی آمده و در گوشه‌ای از سالن ایستاده بود جلب‌توجه می‌کرد و برخی حاضران در مراسم با او عکس سلفی می‌گرفتند.

مشی هاشمی اعتدال و دغدغه‌اش حفظ وحدت

مراسم با پخش سرود ملی و کلیپی از سخنان مقام معظم رهبری و مرحوم هاشمی‌رفسنجانی آغاز شد. ابتدا محمد هاشمی، برادر مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در جایگاه سخنران قرار گرفت و گفت: «مشی هاشمی اعتدال و دغدغه‌اش حفظ وحدت و دوری از افراط و تفریط بود». او افزود: «آیا وقت آن نرسیده که اهداف و آمال این بزرگمرد تاریخ؛ یعنی تلاش برای حفظ نظام و ارزش‌های آن و وحدت بین جریان‌های سیاسی داخل نظام را حفظ کنیم. دو سال است که جای این بزرگمرد تاریخ ایران در لحظه‌لحظه‌های تقویم این سرزمین خالی است». او گفت: «وحدت یعنی جریان‌های سیاسی داخل نظام را حفظ و آتش تفرقه دشمن را خاموش کنیم که از قدیم میراث سران غرب و انگلیس بود. به جمله امام خمینی(ره) برگردیم که هاشمی زنده است، چون نهضت زنده است، نه آن جمله گردانندگان شیطان‌صفت انگلیسی و اذناب فریب‌خورده داخلی که می‌گویند هاشمی زنده است چون انحراف زنده است». در ادامه نیز فاطمه هاشمی، دختر مرحوم آیت‌الله هاشمی، با صدایی گرفته دل‌نوشته‌ای در سوگ پدرش قرائت کرد که روایتی از روز رحلت پدرش بود.

روحانی: هاشمی بعد از انتخابات ۹۲، بسیار نگران سرنوشت مذاکرات هسته‌ای بود و به‌طور مداوم و مرحله‌به‌مرحله آن را دنبال می‌کرد و غیر از آنکه از من دراین‌باره سؤال می‌کرد، با دیگر مسئولان نیز دراین‌باره جلسات متعددی داشت. آیت‌الله هاشمی به من گفت که امروز من دیگر راحت می‌میرم؛ چراکه امروز فهمیدم کشور استقرار یافت و سایه جنگ از کشور برداشته شده است

شلاق به آبروی هاشمی نتوانست او را به زانو درآورد

حسن روحانی سخنران بعدی بود که در جایگاه قرار گرفت. در این زمان فردی قصد داشت در سخنرانی روحانی اختلال ایجاد کند که با واکنش محافظان و حراست حاضر در سالن مواجه شد. روحانی در این مراسم گفت: «آیت‌الله هاشمی همواره از هر منصب و جایگاهی که در آن قرار گرفت برتر و بالاتر بود. هاشمی‌رفسنجانی در جریان نهضت و حرکت اسلامی از همان آغاز از یاران نزدیک و شاگردان برجسته امام راحل بود و همواره فراتر از یکی از نخبگان حوزه علمیه تلاش می‌کرد». روحانی با بیان اینکه هاشمی چنان شجاع و مقاوم بود که هیچ شلاق و شکنجه‌ای او را به زانو درنیاورد، ادامه داد: «نه‌تنها شکنجه و شلاق‌های ساواک و زندان‌های رژیم طاغوت هاشمی را به زانو درنیاورد، بلکه حتی شلاق‌هایی که به آبرو و روح هاشمی وارد آمد نیز نتوانست او را به زانو درآورد. امروز اینجا جمع شدیم که بگوییم هاشمی زنده است و می‌ماند. فکر او می‌ماند، صبر هاشمی می‌ماند، مدارا، استقامت، فداکاری و تحمل او می‌ماند و آنچه آرزوی هاشمی؛ یعنی ایران باشکوه و نظام سربلند اسلامی بود، ملت و دولت ما دنبال خواهد کرد. تا ایران هست، هاشمی هست. تا نظام اسلامی هست، هاشمی هست». روحانی در ادامه با اشاره به اینکه ملت قدرشناس ایران، آخرین‌بار هاشمی‌رفسنجانی را در خیابان انقلاب بدرقه کردند، خاطرنشان کرد: «تا جاده انقلاب هست، هاشمی نیز زنده است. فکر بلند و هوشیاری ملت ایران در دو صحنه آشکار شد؛ یکی آن زمان که تهمت‌ها و سخن‌های ناروای بسیاری علیه هاشمی به زبان آمد، اما در آخرین انتخاباتی که او شرکت کرد با رأی بالای مردم تهران مواجه شد و صحنه دوم نیز زمانی بود که مردم آن نمایش باشکوه را در بدرقه پیکر هاشمی به نمایش گذاشتند. این دو صحنه به همه معاندان، دشمنان و سرکوبگران اعلام کرد که نمی‌توان با تهمت و دروغ، فرهیخته‌ای محبوب ملت را از صحنه خارج کرد. هاشمی همچنان همان شخصیت والایی است که امام راحل درباره او پس از حمله سبعانه ضدانقلاب گفت: هاشمی زنده است، چون نهضت زنده است. مقام معظم رهبری نیز گفت که هیچ‌کس برای من هاشمی نمی‌شود».حسن روحانی ادامه داد: «دو نفر در پیروزی انقلاب و استقرار نظام که از یاران بنام امام بودند، نقش مؤثر داشتند؛ یکی شهید بهشتی که مجلس خبرگان قانون اساسی را اداره کرد و آن ثمره انقلاب یعنی قانون اساسی را به بار آورد و دیگری مرحوم هاشمی بود که مشابه این کار را در تشکیل و اداره اولین مجلس شورا بر عهده داشت». رئیس‌جمهور با اشاره به نقش آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در فرماندهی عملیات‌های گوناگون و سرنوشت‌ساز در جنگ، گفت: «فرمان حمله عملیات کربلای چهار را ایشان صادر کرد، هرچند در میدان جنگ فرازونشیب وجود دارد و ما گاهی پیروز می‌شدیم و گاه در برخی از عملیات‌ها شکست می‌خوردیم؛ درعین‌حال، هاشمی خستگی‌ناپذیر بود. یکی از ویژگی‌های بارز او سؤال دقیق بود. این مهم است که چه سؤالی کنیم. او به معنای واقعی کلمه مدبر بود. او در همه صحنه‌ها مدبر بود. صبر هاشمی فوق‌العاده بود. پس از عملیات کربلای چهار، ایشان تصمیم گرفت که عملیات بعدی طراحی شود و پس از یک هفته، عملیات کربلای پنج طراحی شد». روحانی ادامه داد: «در آن دوران باید حواسمان به هدف اصلی دشمن می‌بود و هاشمی این را به‌خوبی می‌دانست و می‌فهمید که جنگ را باید برای دستیابی به صلح عزتمند ادامه دهیم». رئیس‌جمهور بیان کرد: «یکی از مهم‌ترین مسائل، پایان جنگ است. هنر این است که جنگ سیاسی را چگونه پایان دهیم. هاشمی یک سیاست‌مدار بود. مانند او کم داریم. هاشمی یک سیاست‌مدار مسلمان و یک استراتژیست بود. هاشمی مرد حافظ این نظام بود و نباید نقش او را فراموش کرد».

تندیس هاشمی نماد اعتدال است

رئیس‌جمهور با اشاره به توصیه‌ها و تأکیدات آیت‌الله هاشمی در سال ۹۵ به او درباره ضرورت حضور در انتخابات سال ۹۶، گفت: «جای او در آن انتخابات باشکوه و حضور مردم بسیار خالی بود و هیچ روز سختی امروز در دولت وجود ندارد که ما این احساس را نداشته باشیم که دولت یک پناهگاه و حامی بزرگ را از دست داد». دکتر روحانی افزود: «هاشمی بعد از انتخابات ۹۲، بسیار نگران سرنوشت مذاکرات هسته‌ای بود و به‌طور مداوم و مرحله‌به‌مرحله آن را دنبال می‌کرد و غیر از آنکه از من دراین‌باره سؤال می‌کرد، با دیگر مسئولان نیز دراین‌باره جلسات متعددی داشت». رئیس‌جمهور با بیان اینکه او در تمام عرصه‌ها و موضوعات، دغدغه پیشرفت کشور را داشت و ایران سربلند و عزیز و مدرن را می‌خواست، اظهار کرد: «شاید زمینه این اندیشه او در تفکرات امیرکبیر وجود داشت. کما اینکه امام(ره) هم تفکر اولیه خود را از مدرس گرفته بود. هاشمی همواره به‌دنبال این بود که معضلات و مشکلات کشور را به نحوی حل‌وفصل کند و تنها کسی است که در کشور از ابتدای انقلاب تا روز آخر عمر خود مسئولیت را قبول کرد و تا ساعات آخر برای اسلام، نظام و ایران تلاش کرد». رئیس‌جمهور ادامه داد: «هنگامی که برجام به ثمر رسید و توانستیم به توافق دست پیدا کنیم، آیت‌الله هاشمی به من گفت که امروز من دیگر راحت می‌میرم؛ چراکه امروز فهمیدم کشور استقرار یافت و سایه جنگ از کشور برداشته شده است. هاشمی بنیان‌گذار فناوری هسته‌ای در این کشور بود و هرکس در این کشور جز هاشمی از فناوری هسته‌ای سخن بگوید، نادرست گفته است؛ چراکه او اولین کسی بود که دستور ورود سانتریفیوژ به کشور را داد و در تمامی مراحل مسائل را به ریز دنبال می‌کرد». این بخش از سخنان روحانی با تشویق حاضران روبه‌رو شد. رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه قدرت دفاعی، فناوری و اعتدال امروز ایران از یادگاران هاشمی‌رفسنجانی است، گفت: «اگر بخواهیم در دوران انقلاب، مجسمه‌ای از اعتدال بسازیم، تندیس هاشمی، تنها نماد برای آن است». این قسمت از سخنان رئیس‌جمهوری هم باز تشویق حضار را به همراه داشت. روحانی با بیان اینکه فراجناحی‌بودن در این کشور سخت است، اظهار کرد: «برای کسی که فراجناحی عمل می‌کند، روز پیروزی همه کف می‌زنند و در روز سختی همه از او فاصله می‌گیرند و بسیار دشوار است که کسی بخواهد، فراجناحی کار کند اما هاشمی با هر دو جناح خوب و رفیق بود و با افراطیون هر دو جناح برخورد می‌کرد. معتدلین دو جناح هاشمی را پناهگاه خود می‌دانستند. او هیچ‌وقت ناامید نبود. او فوق جناح بود که در کشور ما سخت است. او فراجناحی بود و به خاطر ایران خم به ابرو نیاورد؛ با وجود ظلم‌های زیادی که به او شد. باید راه هاشمی را ادامه دهیم و با همه مدارا کنیم». رئیس‌جمهور گفت: «پس از شهید بهشتی در تاریخ انقلاب ندیدم به کسی به اندازه هاشمی ظلم شود؛ هر چه خواستند گفتند و او به خاطر اسلام، ایران و انقلاب چیزی نگفت. باید از هاشمی اعتدال را یاد بگیریم و نباید هدف را از یاد ببریم. مطمئنا با وحدت، اتحاد، صبر، حوصله و پیروی از راه هاشمی، می‌توانیم راه و انقلاب خود را حفظ کنیم».

هاشمی به پرسش‌های زمانه خود پاسخ خوبی داد

پس از آن احمد مسجدجامعی گفت: «حضور و تأثیر فرهنگی ایشان کمتر مورد بحث قرار گرفته و مغفول مانده و بعضا در جلسات مورد انکار قرار گرفته است. حتی مبارزات او پیش از انقلاب هم جنبه فرهنگی داشت». او افزود: «مرحوم هاشمی همیشه راه را برای گفت‌وگو و ارتباط با جهان باز گذاشت». مسجدجامعی با اشاره به تألیفات آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی ادامه داد: «هاشمی جهان و زمان خود را خوب شناخته و به پرسش‌های زمانه خود خوب پاسخ داد».

دیگر سخنران محمد سروش‌محلاتی بود که گفت: «امام علی (ع) به مالک اشتر توصیه می‌کند که حاکم اسلامی باید مسئولیت مالیات، جهاد با دشمن، عمران و آبادی و خوب زندگی‌کردن مردم را دنبال کند. حکومتی که در انجام این وظایف موفق شود، اسلامی است. با این تفکر هاشمی‌رفسنجانی سراغ امیرکبیر می‌رود و با شجاعت اعلام می‌کند که او حاکم اسلامی بود. امیرکبیر دارالفنون ساخت و خیلی خدمات دیگر داشت. شگفت‌آور است که یک روحانی که از یک روستای دورافتاده به قم آمده، در حدود ۳۰ سالگی کتاب امیرکبیر می‌نویسد. هاشمی شیفته تمدن غرب نیست؛ اما هرگز این ادبیات را به کار نمی‌برد. نه اینکه نقاط ضعف را نبیند؛ ولی جرئت و جسارت دیدن نقاط قوت را هم دارد. حکومت دینی از نظر او الگویی برگرفته از تحجرات امثال سیدقطب و افراط‌گری‌های امثال اخوان‌المسلمین نیست. او می‌گوید جدا اعتقاد دارم اگر مجتهد هم بر سر کار باشد، همان کارهای امیرکبیر را می‌کند و دلیل می‌آورد».

سروش‌محلاتی ادامه داد: «آن زمان که هاشمی‌رفسنجانی در سال ۴۶ این موضوع را مطرح می‌کرد، کمتر کسی بود که در حوزه‌های علمیه چنین سخن بگوید. ایشان می‌گوید «من در تعجبم که وقتی می‌خواهند دینداری امیرکبیر را مطرح کنند، سخن از دعا و زیارت و نافله او می‌گویند؛ درحالی‌که همه اصلاحات امیرکبیر دینداری بود. او تأسیس دارالفنون را هم دینداری می‌دانست و با همین تفکر در انقلاب اسلامی حضور پیدا کرد. عده‌ای خیال می‌کنند نوشتن این کتاب از شغل اصلی من روحانی خارج است؛ ولی معتقدم که این طرز فکر از خواسته‌های استعمارگران است. برخی اظهار می‌کنند که هاشمی دوره‌های مختلف فکری را پشت سر گذاشت و تغییراتی در او به وجود آمد. هر انسانی در گذشت زمان تجربیات جدیدی کسب می‌کند؛ ولی اعتقاد من این است که هاشمی حتی در همان ۱۹ دی ۱۳۹۵ شاکله اصلی فکری‌اش همان شاکله فکری سال ۴۶ بود». این استاد حوزه و دانشگاه اظهار کرد: «ما گلایه‌ای از کسانی که امروز با هاشمی درافتاده‌اند، نداریم. امیرکبیر هم که دست به اصلاحات زد، منتقدانی داشت. ما از اینکه برخی از این افراد که از نسل همان افراد هستند، در برابر هاشمی قرار بگیرند و اتهام بزنند، هیچ ناراحت نیستیم. اصالت راه هاشمی در همین است. این اختلاف دیدگاه چیز تازه‌ای نیست».

سروش‌محلاتی: ما گلایه‌ای از کسانی که امروز با هاشمی درافتاده‌اند، نداریم. امیرکبیر هم که دست به اصلاحات زد، منتقدانی داشت. ما از اینکه برخی از این افراد که از نسل همان افراد هستند، در برابر هاشمی قرار بگیرند و اتهام بزنند، هیچ ناراحت نیستیم. اصالت راه هاشمی در همین است. این اختلاف دیدگاه چیز تازه‌ای نیست

آیت‌الله هاشمی برای انقلاب بارها از خود گذشت

در پایان محسن هاشمی فرزند ارشد مرحوم هاشمی‌رفسنجانی و رئیس شورای شهر تهران نیز با اشاره به سخنان روحانی، احمد مسجدجامعی و سروش‌محلاتی گفت: «آیت‌الله هاشمی ۳۸ سال پس از انقلاب و ۴۰ سال هم قبل از انقلاب برای ایران و انقلاب زحمات فراوانی کشید». محسن هاشمی افزود: «مسائلی در زندگی آیت‌الله هاشمی بود که سعی می‌کرد مخفی نگه دارد؛ چون اهل ریا نبود. آیت‌الله هاشمی برای انقلاب بارها از خود گذشت. با جان و مالش برای انقلاب تلاش کرد». هاشمی ادامه داد: «پیش از انقلاب وقتی او می‌خواست به کشور بازگردد، همه به پدر توصیه می‌کردند این کار را نکند؛ ولی او زندان در ایران را بر زندگی در خارج از کشور ترجیح داد. در عملیات مرصاد از منطقه عملیات خارج نشد و گفت لازم است در منطقه بمانم. در جریان پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ گفت حاضر است مجازات شود؛ ولی صلح به دست آید». او ادامه داد: «آیت‌الله هاشمی فردی انتقادپذیر بود. کتاب‌های خاطرات او نشان می‌دهد چگونه زندگی روزمره خود را بدون سانسور در اختیار مردم قرار داد. هیچ ریایی در این خاطرات نیست». فرزند رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام اضافه کرد: «امیدوارم همان‌طور که آیت‌الله هاشمی توانست جنگ را با صلح به پایان برساند، ما هم با همدلی و همبستگی و انسجام بتوانیم جنگ اقتصادی را طوری به پایان برسانیم که در نهایت منجر به رفاه مردم کشورمان بشود». بخش دوم مراسم بزرگداشت هاشمی‌رفسنجانی در حرم امام خمینی (ره)، برگزار شد و میهمانان بعد از ترک اجلاس رهسپار مرقد امام شدند.

ردصلاحیت هاشمی را نبش قبر نکنیم

محمدرضا باهنر درباره تداوم حرف و حدیث‌های مربوط به ردصلاحیت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ به خبرآنلاین گفت: الان یکسری مسایل قدیم را نباید نبش قبر کرد...گاهی تبلیغات آن‌طرفی به قدری زیاد می‌شود که خودمان نیز شاید باور می‌کنیم که شورای نگهبان دارد مهندسی انتخابات می‌کند. حال آنکه این‌طور نیست و در کشورهای دیگر احزاب هستند که مهندسی انتخابات می‌کنند. حالا اینکه ردصلاحیت آقای هاشمی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ مصلحت بود یا نبود؟ درست بود یا نبود؟ بهتر است الان خیلی وارد این فضا نشوم. حتی مقداری می‌خواهم فراتر بگویم. الان قانون انتخابات طوری است که مثلا هزار نفر برای انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام می‌کنند. طبیعی‌اش آن است که از این تعداد پنج، شش نفر در نهایت بمانند؛ اما بعضی می‌گویند «مهندسی انتخابات شده، حق و حقوق مردم چه می‌شود؟ آیا مردم حق ندارند به کسان دیگری غیر از اینها رأی دهند؟».

ادامه از صفحه اول

شعار یا برنامه؟

برنامه اگرچه انگار به روال قبل در حال تدوین بود، اما سایه واژگان زیست‌پذیری و مشارکت‌پذیری برای اداره شهر فراگیرتر بود.

در ادبیات سیاست‌گذاری، مفهومی به نام «مرجعیت» وجود دارد که با کمی اغماض می‌توان شعارهای شهرداران را با این مفهوم سیاستی همسان دانست. مرجعیت سیاست‌گذاری مانند تابلویی است که سیاست‌گذاران بالای سر خود نصب می‌کنند تا هرگز و در هیچ تصمیمی آن را نقض نکنند. مرجعیت به معنای برنامه نیست، اما می‌تواند جهت‌دهنده همه سیاست‌ها و برنامه‌ها باشد؛ بنابراین سیاست‌گذاران می‌دانند بدون برنامه و تنها از طریق تعیین مرجعیت سیاستی، نمی‌توانند کمر همت به حل مشکلات ببندند.

برخلاف انتظار، تغییرات مداوم در مدیریت شهری، به‌ویژه تغییر در نهاد برنامه‌ریزی شهرداری تهران، حتی فرصت جاری‌سازی شعار افشانی را نیز به او نداد. در آخرین نسخه برنامه تا زمان حضور افشانی، نمی‌توان ردی را از زیست‌پذیری شهری و مشارکت شهروندان مشاهده کرد.

تهران شهری برای همه، هسته اصلی تبلیغات حناچی است. بارزترین اقدام او در چند هفته گذشته، پیوستن به کمپین سه‌شنبه‌های بدون خودرو است؛ اقدامی که بسیاری از دل‌مشغولان حوزه محیط زیست و شهر را با خود همراه کرده. کماکان برنامه سوم در مرحله بازبینی و تدوین نهایی است. نسخه نهایی آن هنوز منتشر نشده و معلوم نیست «تهران برای همه» تا چه میزان در آن مراعات شده است. اگرچه به‌درستی مشخص نیست برنامه سوم را باید میراث کدام‌یک از شهرداران اخیر تهران دانست و اینکه آیا می‌توان آن را برنامه‌ای اصلاح‌طلبانه در نظر گرفت یا خیر، بیش از هر چیز در این ۱۷ ماه گذشته شهر تهران به‌جای آنکه بر اساس برنامه شهرداران لااقل برنامه انتخاباتی آنها در صحن شورا- اداره شود، بر مبنای شعارهای انتخاباتی‌شان اداره شده است؛ بدون آنکه این شعارها بتواند فرصت تبدیل‌شدن به مرجعیت سیاست‌گذاری شهری را پیدا کند. شعارها تا زمانی که نتوانند تابلویی برای سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات سیاستی شوند، نمی‌توانند مبنای اقدام درست و به‌موقع قرار گیرند و بیشتر جنبه تبلیغاتی و نمایشی پیدا می‌کنند. سنجش میزان اداره شهر تهران بر اساس اهداف و آرمان‌های اصلاح‌طلبانه کار دشواری نیست، تنها باید روزها و شب‌های تهران را به‌مثابه یک شهروند تهرانی تجربه کرد.

اَبَرزنان در تاریخ ملی و مذهبی ما

به دلیل عملکرد و شیوه ناصحیحی که نسل گذشته در معرفی برخی الگوها و نیز تحریف‌ها و کم و زیادگویی‌ها و افراط و تفریط‌ها موجب شده، برخی واقعیت‌های تاریخی نیز انکار شوند و شاید زمان بیشتر و تلاش مضاعف لازم باشد تا در فضایی آرام و بی‌طرف نسل نو با مطالعه و دریافت و معرفت خود به ذات عریان حقیقت دست یابد.

روز ۲۲ دی برابر با پنجم جمادی‌الاول روز ولادت بزرگ‌بانویی است که نامش هماره در تاریخ اسلام درخشیده و درخشش این نام که منبعث از ایثار و ازخودگذشتگی‌ها، دلاوری‌ها و شجاعت و جسارت مقابله با ظلم و حمایت از مظلوم است؛ تا امروز باقی است.

هرچند اوج این دلاوری و نام‌آوری بزرگ‌بانوی تاریخ اسلام با عاشورای حسینی پیوند خورده و حماسه‌سرایی‌ها و قهرمانی‌هایش از زمان رویارویی برادر و یاران و همراهانش در مقابله با لشکر تجاوزگر و خون‌خوار فرزند معاویه آغاز و پس از شهادت آنان در جریان اسارت خانواده آن بزرگوار پررنگ شد؛ اما هر صفحه از داستان زندگی او پیش از ازدواج و پس‌ازآن برای زنان امروز ایران و عالم اسلام و حتی برای همه بشریت درس‌آموز است.

زادروز این بانوی تاریخ‌ساز را در تقویم کشورمان روز پرستار نام نهاده‌اند. درحالی‌که این نگاهی محدود و جزئی به شخصیت چندوجهی زینب سلام‌الله علیه است.

نام زینب در کنار نام دو برادر ارجمندش و دو سید جوانان اهل بهشت بلندمرتبه ماند. دو برادرش حسن و حسین (ع) پس از پدر مرتبت امامت یافتند و دل و جان در پی راهبری مردمان زمان‌شان به طریقت درست نهادند و افسوس که با بی‌مهری همان مردمان دنیادوست هر دو به شهادت رسیدند و او نیز مانند جد و پدر و مادر بلندمرتبه و برادران گران‌قدرش پیشوا شد و پیشوا ماند تا آموزه‌های قرآنی در لوح دل و جان مسلمانان تا آخرالزمان بماند که قلب آدمی فارغ از جنسیتش می‌تواند مهبط وحی الهی باشد و زن و مرد فارغ از جنسیت‌شان می‌توانند به مقام والای انسانیت و مرتبه بلند تقوا دست یابند.

امید که زینبی بمانیم و زینبی بمیریم.

*عضو انجمن زنان پژوهشگر تاریخ